

سخن سردبیر مهمان ویژه نامه جامعه‌شناسی انقلاب و جنبش‌های اجتماعی

انقلاب اسلامی به عنوان یکی از بزرگترین رخداد‌های اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم نه صرفاً به واسطه متاثر ساختن بسیاری از زمینه‌های عینی ساختارهای داخلی و بین‌المللی بلکه تأثیر عمیق و شگرف در حوزه معنا و اندیشه و یا به بیانی دقیق‌تر تلاقی اندیشه‌ها و اقدامات عملی سلبی (استعمار و استبداد‌گریزی) و ایجابی (اسلام‌گرایی و خویش‌نوازی) توانست فراتر از سرنوشت تاریخی ملت ایران، تغییری در مناسبات قدرت اجتماعی و سیاسی رقم زند. به علاوه انقلاب اسلامی در سطح نظری و تحلیلی نیز بنیانگر موج تازه‌ای از نظریه‌پردازی موسوم به نسل چهارم در این عرصه شد که با روش و رویکردی متفاوت از نظریات کلاسیک، توصیفی و تبیین‌های سطح خرد یا کلان مرسوم -متمركز بر علت یا علت‌هایی مشخص - در این حوزه مطالعاتی توجه نوآورانه به ترکیب علل را در بستر و بافت اجتماعی و سیاسی به خود جلب نمود و در نتیجه امکان تحقق نتایج گوناگونی -و نه فقط وضعیت محتمل الوقوعی- را در مقابل دیده و اندیشه پژوهشگران و کاوشگران این عرصه قرار داد.

بنابراین، تامل و تدقیق در زوایا و دقایق این پدیده تاریخی به منظور شناخت درست و درک جامع ابعاد و واکاوی عمیق زمینه‌ها و اهداف آن، چه به عنوان ابزاری جهت درک هویت تاریخی خویش و چه با هدف ترسیم و تنویر مسیر تحلیلی، تفسیری و تبیینی پیش رو، نه تنها ضرورتی ملی، بلکه رسالتی حرفه‌ای می‌نماید. به بیان دیگر شناخت مسیر تعالی سرنوشت و تداوم تحقق اهداف تاریخی این سرزمین، ناگزیر از بازشناسی زمینه‌ها، فرآیندها و پیامدهای این انقلاب در ابعاد، سطوح و مقاطع کوتاه و بلند مدت زمانی در پیوند با شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همسایگان و دیگر کشورهای منطقه خواهد بود؛ امری که به خوبی در روند توسعه و تعمیق یافته‌های جامعه علمی و پژوهشی داخلی و خارجی از ارائه پاسخ‌های شتاب‌زده به مسئله‌چرایی وقوع انقلاب در ایران تا تمرکز بر چگونگی وقوع چنین رویدادی درون شبکه روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و... و در نهایت بسط گستره تئوریک و متدولوژیک در نظریه‌پردازی‌های پسین آن و ارائه مدل تبیینی شامل و در عین حال منحصر به خود در مقایسه با دیگر رخداد‌های سیاسی و اجتماعی با هر میزان از مشابهت و مفارقت، آن‌هم دور از تعهدی به تعمیم فراگیر مشهود است.

به هر حال کاربست نتایج حاصل از چنین پیشرفت‌هایی در عرصه نظریه‌پردازی و تحلیل پدیده انقلاب و جنبش‌های اجتماعی به طور عام و انقلاب اسلامی به طور خاص همواره مستلزم واکاوی لایه‌ها و جنبه‌های مغفول مانده و یا کمتر کاویده شده آن، چه در سطح زمینه‌های

متنوع داخلی و خارجی، فرآیندها و چه در سطح پیامدهای کوتاه مدت و بلند مدت خواسته یا ناخواسته در مقیاس ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد.

از پاییز ۱۳۹۴ همزمان با دوره جدید فعالیت کمیته تخصصی جامعه‌شناسی انقلاب و جنبش‌های اجتماعی در انجمن جامعه‌شناسی ایران و بحث و تبادل نظر میان صاحب‌نظران این حوزه طی نشست‌های ماهانه اختصاص ویژه نامه‌ای از مجله مطالعات اجتماعی به این حوزه طرح و پس از تصویب و پشت سر نهادن مراحل بعدی در قالب ویژه‌نامه‌ای پیش رو، صورت عینی و بیرونی به خود گرفته و البته اگر چه همه مقالات موجود در این مجلد، ادبیات انقلاب را با نگاهی به انقلاب اسلامی ایران رصد نموده‌اند، لیکن زوایای متنوعی که برای این تامل نظری، برگزیده شده حاصل همین چند سویه نگری است.

در حالیکه مقاله اول درصدد بازشناسی انقلاب‌های بزرگ با تأکید بر شاخصه‌ها و ابعاد بین‌المللی آنها برآمده؛ مقاله دوم با تأکید بر نقشی که نفت در صورت‌بندی سیاسی و اجتماعی ایران معاصر ایفا کرده به تحلیل بحران اقتدار حکومت پهلوی دوم می‌پردازد. مقاله دیگر با تمرکز بر حضور بی سابقه زنان آن‌هم با سیمایی متفاوت در مبارزات انقلاب اسلامی، چرایی و چگونگی این مشارکت و نسبت آن را با فمینیسم به پرسش کشیده و از این رهگذر دقیقه‌ای مغفول مانده در انقلاب ایران را از منظر نسل چهارم نظریه‌های انقلاب تحلیل می‌کند. چهارمین مقاله، متمرکز بر اندیشه بنیادین حاکم بر فرآیندهای انقلاب، چگونگی شکل‌گیری اصل ولایت فقیه به عنوان یک ساخت قدرت در نظام برخاسته از انقلاب اسلامی را به بحث گذاشته و تلاش می‌کند با تحلیل محتوای مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی سال ۵۸ و شورای بازنگری ۶۸ نشان دهد این ساخت قدرت در کدام ساخت زبانی و با کدام دیدگاه‌های ذهنی و طی کدام فرآیند ساختار و عاملیت تاسیس، منسجم و تثبیت شد.

اما دو مقاله آخر با تأکید بر دلالت‌های نظری برآمده از انقلاب ایران آن را به عنوان مبنایی جهت مقایسه و شناخت هر چه بیشتر انقلاب‌های موفق و ناموفق کشورهای عربی به کار می‌گیرند.

امید است این مجموعه نه به عنوان پاسخی نهایی به مسائل مبنایی مطرح در این عرصه، بلکه با طرح مجدد سؤال‌های از پیش موجود یا طرح مسائل جدید، انگیزش و اراده صاحب‌نظران را به تلاشی پر بار تر در این عرصه موجب شده و بسط و توسعه دانش در این حوزه پژوهشی در افق‌های فرا رشته‌ای و میان رشته‌ای را سبب شود.

نرگس نیکخواه قمصری

سردبیر مهمان مجله مطالعات اجتماعی ایران ویژه انقلاب